

آرای اخلاقی علما-مورخان جنگ‌های آغازین صلیبی درباره اسیران (ابن اثیر و فوشیه شارتی)

مهدی محمدی^۱

چکیده

طی سه جنگ آغازین صلیبی، علاوه بر نیروهای نظامی تعداد زیادی از افراد غیرنظامی مانند زنان و کودکان به عنوان برده به تملک نیروهای مسلمان و مسیحی درآمدند. مورخان مسلمان و مسیحی ضمن بیان رویدادهای تاریخی بعضاً این رفتار در قبال اسیران را مورد قضاوت اخلاقی قرار داده‌اند. این پژوهش به بررسی دیدگاه اخلاقی ابن اثیر و فوشیه شارتی می‌پردازد؛ دو شخصیتی که نه تنها دارای تحصیلات دینی بودند، بلکه از مورخان برجسته جنگ‌های صلیبی نیز محسوب می‌شدند. براساس یافته‌های این پژوهش، مورخان از همکیشان خود دفاع کرده، اما در مورد رفتار سپاهیان با اسیران غیرنظامی عموماً دیدگاهی انتقادی داشته‌اند. انتقاد ابن اثیر در مورد عملکرد امیران مسلمان با اسیران، در کنار غالب نگاه دینی، جنبه‌های وجدانی نیز داشت؛ اما انتقاد وجدانی نسبت به آزار اسیران در کتاب شارتی، کمتر دیده شده و بیشتر جانبداری دینی بر قضاوت عادلانه اخلاقی سایه افکنده است. روش پژوهش در این مقاله تاریخی بوده و نویسنده پس از بیان زمینه‌ها و رخدادهای تاریخی، براساس نوع بیان مورخان یادشده در مورد قضاوت‌های ضمنی و صراحت جانبداری یا انتقاد از وقایعی که کنشگران تاریخی انجام داده‌اند به توصیف و تحلیل ذهنیت اخلاقی علما-مورخان مسلمان و مسیحی پرداخته است.

واژگان کلیدی: اسیران، ابن اثیر، شارتی، جنگ‌های صلیبی، اخلاق.

۱. استادیار گروه تاریخ اسلام دانشکده مطالعات اسلامی دانشگاه بین‌المللی اهل بیت تهران، m.mohamadi.

abu@gmail.com

مقدمه

جنگ‌های صلیبی، علی‌رغم عوامل تاریخی، عقلانی و احساسی متعدد، در وهله نخست یک جنبش مذهبی محسوب می‌شد. از آنجایی که این حرکت از نهاد مذهبی اروپا که واضع اخلاق رسمی در جامعه بود شروع شده بود، در سراسر جنگ‌های صلیبی نمایندگان کلیسا حضور داشته و با رویکرد مذهبی و اخلاقی خود به ثبت واقعیت تاریخی پرداختند که بعضاً واقعیت تاریخی رخداده توسط صلیبیان با مطلوب‌های نهاد مذهبی مسیحی تفاوت‌های جدی داشت. از سوی دیگر حکام مسلمان اگرچه باید تابع فقه و اخلاق اسلامی بوده تا مشروعیت حاکمیت را داشته باشند، همچون سایر زمان‌ها در سراسر تاریخ تمدن اسلامی، کنش‌های آنها لزوماً مطابق با شرعیات و موازین اخلاقی نبود. در کتب اخلاقی و فقهی شیعه و سنی مواردی بیان شده که در عمل حکام به آن‌چندان پایبند نبودند که از آن جمله می‌توان به انواع شکنجه و اعدام در دوره سلجوقی اشاره کرد. از جمله می‌توان کشتن با صبر را نام برد که مورخان و علما به این رفتار صراحتاً انتقاد کردند (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۳۲۹/۱).

از این رو، پژوهش درباره مسائل اخلاقی در این دوره تاریخی باید مبتنی بر واقعیت‌های تاریخی باشد، نه صرفاً بر ایدئال‌های مذهبی که از سوی علمای مسلمان و مسیحی مطرح می‌شدند. با این حال این نکته مدنظر است که زمینه‌های مذهبی مستقیماً بر کنش‌های تاریخی مسلمانان و صلیبیان تأثیر داشتند؛ هرچند از آن تبعیت نکنند. از آنجایی که این جنگ‌های طولانی مدت میان نخبگان نظامی غرب آسیا، شمال آفریقا و اروپا رخ داد و صحنه‌های خشنی به همراه داشت، نمی‌توان توقع داشت که پیش‌فرض‌های مذهبی و اخلاقی کنترل‌کننده رفتار نظامیان آن‌هم در عرصه قدرت و رقابت‌های نظامی باشد. در طی جنگ‌های صلیبی هر یک از طرفین برای کسب برتری روش‌های مختلفی به کار بردند. یکی از این روش‌ها کشتار غیرنظامیان به منظور کاهش منابع غذایی و اقتصادی طرف مقابل بود. در این عرصه جان غیرنظامیان از جمله زنان و کودکان ارزش اندکی داشت و اهداف نظامی اولویت داشتند. روش دیگر کشتار اسیران برای تضعیف روحیه دشمن یا مقابله به مثل بود. در این سیاست نظامی، کشتار اسیران و تجاوز به حقوق زنان و کودکان به طور گسترده رواج داشت، هرچند که مورخان مسلمان و صلیبی تلاش عامدانه دارند این روش‌ها را نادیده گیرند.

در نگاهی غیراخلاقی، بی‌طرفانه و واقعگرا، این روش‌ها در مواقعی تأثیری مهم در برتری‌های نظامی داشت؛ همچنانکه در مواقعی نیز نه‌تنها تأثیری نداشت، بلکه نتایج معکوسی به بار آورد. در عین حال نیز پژوهشگر با رخدادهایی مواجه می‌شود که اسارت غیرنظامیان به فاجعه ختم نشد یا مطابق با معاهدات آن زمان با آنها تعامل شد یا طبق عرف به سرزمین‌های متخاصم برده شده یا در بازارها عرضه شدند یا در خانه‌ها و مزارع به کار گرفته شدند (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۱۳۶/۱). در این مواقع زمینه‌های آشنایی بیشتر با فرهنگ طرف مقابل فراهم شد. این آشنایی به میزان زیادی در رفتارهای افراطی جنگ اول صلیبی تأثیر داشت. از این رو، به خوبی می‌توان با بررسی روابط مسلمانان و صلیبیان صد سال پس از شروع جنگ‌های صلیبی تفاوت رفتاری نسبت به دوران اولیه را مشاهده نمود؛ همچنین که روایت‌های نسبتاً دقیق از رفتار اسیران غیرنظامی به خصوص زنان و کودکان در دست است. برای جامعه‌ای مذهبی خواه مسلمان و خواه صلیبی - برای مسلمانان بیشتر - حرمت زنان و حفظ عفت آنها از اهمیت زیادی برخوردار بود و از آنجایی که کشتار زنان و هتک حرمت آنها خصوصاً برای مسلمانان باعث سرافکنندگی بود، مورخان مسلمان ذیل بیان وقایع جنگ‌ها اگر به این موارد برمی‌خورند از ذکر آن خودداری می‌کردند (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۲۹۹/۱، ۲۸۹، ۲۵۷، ۲۵۵، ۲۵۲ و ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱۰۰/۱ و ۱۰۵).

مستندترین گزارش‌ها از رفتار با اسیران و قضاوت اخلاقی در مورد رفتار با آنها بیشتر زمانی رخ داده که اسیران به شهرها برده و فروخته می‌شدند و مورخ بعضاً خود مستقیماً با آنها برخورد داشت. در اینجا گزارش‌های ارزشمندی ارائه می‌شود که معمولاً این گزارش‌ها دارای ارزش‌گذاری‌های اخلاقی بوده که هرچند نویسنده مسلمان و صلیبی تلاش دارند جانبداری را به نفع کیش خود در نظر بگیرند، ولی در این مواقع داوری اخلاقی وجدان آنها و رای جبهه‌گیری‌های مذهبی بود (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۹۹/۲۹ و ۱۰۰).

در مورد اسیران کودک اوضاع از این بغرنج‌تر است، زیرا گزارشی از وضعیت کودکان اسیر به چشم نمی‌خورد و پژوهشگر مجبور است از خلال ردهای تاریخی در مورد آنها و قضاوت‌های اخلاقی در مورد کودکان مطالبی گرد آورد. از این رو، اگر زنان لایه پنهان تاریخ هستند، کودکان را

می‌تواند لایه محو تاریخ دانست. هرچند که رفتار غیراخلاقی در مورد آنها قبح بیشتری داشته باشد. برای گردآوری داده‌های لازم در این موضوع اخص و پنهان پژوهشگر باید به منابع دسته اول اسلامی و صلیبی رجوع کند. براساس استحصال داده‌های مورد نیاز، آنچه واضح است، داده‌های منابع اسلامی با وجود موانع اخلاقی در روایت اخبار، در مورد اسارت زنان و کودکان به مراتب بیشتر از منابع صلیبی است. در میان منابع اسلامی نیز الکامل ابن‌اثیر به خاطر مشاهدات مستقیم و نزدیک مورخ، اهمیت ویژه‌ای دارد. مخصوصاً زمانی که نویسنده قضاوت اخلاقی خود را صراحتاً بیان می‌کند؛ اما منابعی که از شهرهای صلیبی بازدید کرده‌اند روایات بیشتر و زنده‌تری دارند که در صدر آنها کتاب الاعتبار اسامه بن منقذ شیزری قرار دارد. پس از آن سفرنامه ابن جبیر قرار دارد که روایت زنده‌ای را ضمن گزارش‌های خود از بازدید شهرهای صلیبی ارائه می‌دهد، اما وی درک درستی از فرهنگ اروپاییان به نسبت اسامه بن منقذ شیزری نداشت. کتاب الاعتبار اسامه مطالب مهمی در خصوص زندگی فردی و وضعیت اجتماعی اسیران به خصوص اسیران مسلمان در سرزمین صلیبیان ارائه می‌دهد. بر این اساس این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که آرای اخلاقی علما-مورخان مسلمان و مسیحی جنگ‌های آغازین صلیبی درباره اسیران چه بود؟ برای پاسخگویی دقیق‌تر به این سؤال مصادیق مورد بررسی به مورخان اصلی جنگ‌های صلیبی، یعنی ابن‌اثیر و قوشیه شارتی محدود شده است.

این مقاله در صدد است یک بررسی تاریخی انجام دهد؛ از این رو می‌کوشیم از خلال وقایعی که مورخان مسلمان و مسیحی درگیر جنگ‌های صلیبی نقل می‌کنند، ذهنیت و نگاه اخلاقی آنها را در مورد اسیران را توضیح و تبیین کنیم. با وجود اشتراک دو مورخ در زمینه تاریخ‌نگاری و برخورداری از دانش دینی زمان خود، تفاوت عمده‌ای در گفتمان آنها دیده می‌شود. گفتمان اسلامی خصوصاً در قبال با شکست‌های مسلمانان در برابر صلیبیان بسیار مأخوذ به حیا بوده و این را می‌توان در موارد متعددی مشاهده نمود. از این رو، در وقایعی که نوامیس مسلمانان به دست صلیبیان افتاده و رفتارهای شنیعی در قبال آنها صورت گرفت، منابع اسلامی متأثر از این گفتمان محجوب، به نقل این رویدادها نمی‌پردازند. این مسئله را می‌توان مزیت تاریخ‌نگاری مسیحیان

در ارائه جزئیات بیشتر دانست، اما در مورد قضاوت اخلاقی، نوع روایت مورخ و جانب‌داری یا نقد او نسبت به وقایع مدنظر است. در این مقاله مسائلی که از نظر اخلاقی مورد پذیرش مسلمانان و مسیحیان در مورد رفتار با اسیران غیرنظامی است، اساس قضاوت اخلاقی قرار گرفته است. هرچند در جزئیاتی و موارد خاصی ممکن است مسئله غیراخلاقی اولیه مورد تجدیدنظر قرار گرفته و برای مقطعی اخلاقی و مشروع قلمداد شده یا مورد تفاسیر دیگری قرار گیرد؛ مانند برداشتی که فرقه طفور از سخنان پاپ در قبال مسلمانان داشت (کاستیک، ۲۰۰۸: ۸۲).

نویسنده باید ابتدا به گردآوری روایات تاریخی از خلال منابع دست اول اسلامی و مسیحی جنگ‌های صلیبی بپردازد. با توجه به جزئی بودن نقش اسرا (به غیر از اسیران اشراف‌زاده) در جنگ‌های صلیبی گزارش‌های اندکی در خلال روایات مربوط به مخاصمات مسلمانان و صلیبیان وجود دارد. برای لایه پنهان تاریخی، یعنی زنان وضعیت داده‌ها از این بگرنج‌تر است. از این رو، مورخانی برای بررسی انتخاب شده‌اند که تخصص دینی و تأثیرگذاری در تاریخ‌نگاری اسلامی و مسیحی دارند. شاخص‌ترین این افراد علی بن محمد بن اثیر و فوشیه شارتزی هستند. داده‌های موجود در این منابع با مطابقت با سایر منابع دست اول اسلامی و صلیبی تکمیل و تنقیح می‌شود. آنچه مورخ در این منابع به دنبال آن است، یافتن گزارشی مستقل در مورد وضعیت زنان و کودکان اسیر است که بتواند از بیان روایت، قضاوت اخلاقی مورخ را استخراج نماید؛ اما از آنجاکه در گزارش تاریخی همیشه احتمال صدق و کذب وجود دارد، تلاش شده است تا با جست‌وجوی وابستگی‌ها مورخان بهتر بتوان گزارش آنها را پیراست. با این حال در موارد بسیاری، نویسنده مجبور است در نبود گزارش‌ها به سرنخ‌های تاریخی (Traces) (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۳۳ و ۳۴) رجوع کند که هرچند ناقص بوده و داده‌های مختصری را در اختیار قرار می‌دهند، اما روایت آنها خالی از جهت‌گیری است. علاوه بر آن، در این موضوع مقدار اطلاعاتی که از سرنخ‌ها حاصل می‌شود به مراتب بیشتر از گزارش‌های تاریخی است. علاوه بر سرنخ‌ها و گزارش‌ها ناگفته‌های منابع خود سرنخی برای واکاوی روایات تاریخی است که در منابع دیگر به دست آمده است. نویسنده برای استناد بهتر در مقاله خود از همه اشکال داده‌های تاریخی بهره برده است.

در این پژوهش هدف اصلی نویسنده تلاش برای یافتن واقعیت تاریخی (توصیف) و برقرار کردن رابطه با واقعیت‌ها (تحلیل) است. به علت قلت داده‌ها در این زمینه نمی‌توان از داده‌های کمی برای استدلال بهره جست؛ ازاین‌رو داده‌های این مقاله به صورت کیفی هستند. این پژوهش خود به ارزش‌گذاری وقایع تاریخی نمی‌پردازد، بلکه نگاه اخلاقی مورخان یادشده را در مورد اسیران به ویژه اسیران غیرنظامی مورد بررسی قرار می‌دهد. در این زمینه غیر از منابع دست اول که به فارسی ترجمه شده‌اند پژوهشی در زبان فارسی در این زمینه وجود ندارد. پژوهشگران اروپایی مانند نیکولسون (۲۰۲۳) در مورد زنان اسیر در جنگ‌های صلیبی اشاراتی داشته که در جنگ‌های صلیبی شرق به گزارش‌هایی اتکا داشته است. ازاین‌رو، بعضاً تحلیل‌های مناسبی ارائه می‌دهد، اما تمرکز بر روی اسیران در شرق لاتین ندارد. پروندیج (۱۹۸۵) مطالب دقیقی در مورد تجاوز صلیبیان به اسیران مسلمان در جنگ‌های صلیبی ارائه می‌کند، ولی توجهی به دیدگاه اخلاقی مورخان ندارد. در میان پژوهشگران عرب می‌توان آثاری در مورد اسیران مسلمان در جنگ‌های صلیبی یافت. حامد البکر (۱۴۱۳) به اسیران مسلمان در جنگ‌های صلیبی پرداخته و فارغ از جهت‌گیری‌های عربی که در سراسر مقاله دیده می‌شود به توصیف وقایع خارجی پرداخته و انگاره‌های اخلاقی را مدنظر نداشته است. المقدم (۲۰۱۷) ضمن بررسی نقش زنان در جنگ‌های صلیبی به اسیران غیرنظامی نگاهی گذرا داشته است.

مورخان شاخص جنگ‌های صلیبی، ابن اثیر و فوشیه شارتی

عزالدین ابوالحسن علی بن محمد جزری عالم و مورخ مشهور جهان اسلام فرزند اثیرالدین ابوالکرم محمد موصلی جزری بود. ابن اثیر دو برادر دیگر به نام‌های ضیاءالدین و مجدالدین داشت. هر سه برادر از نخبگان علمی و دیوان‌سالاری عصر خود به شمار می‌رفتند. ضیاءالدین مدتی در دیوان ایوبیان به خدمت مشغول بود (ابن خلکان، بی تا: ۳۸۹/۵-۳۹۷، فروخ، ۱۹۸۶: ۵۳۵/۳). همین مسئله سبب شد عزالدین بن اثیر برای وقایع‌نگاری خود به اسناد دولتی خصوصاً در مورد ایوبیان و جنگ‌های صلیبی دسترسی داشته باشد. برادر بزرگ‌تر، مجدالدین، در علوم دینی و بلاغی تبحر داشت و مدتی در دربار زنگیان جزیره خدمت

کتاب خود، الکامل فی التاریخ از اسناد دولتی زنگی نیز برخوردار باشد. خود عزالدین ابن اثیر همچون برادران خود، دروس دینی را به کمال خوانده بود و این امر سبب شد تا یکی از متون مهم تاریخ اسلام در مورد پیامبر و صحابه به نام «اسد الغابه فی معرفه احوال الصحابه» به تألیف درآورد. همین زمینه‌های تحصیلات دینی سبب شد که ابن مورخ نگاه دینی را در وقایع‌نگاری خود دخیل کند. با این حال این رویکرد دینی سبب نشد که ابن اثیر در این امر راه افراط پیموده و همچون همتایان خود مانند ابن کثیر واقعیت خارجی را نادیده بگیرد؛ بلکه ابن اثیر در تاریخ بزرگ خود الکامل فی التاریخ با تأثیرپذیری از گفتمان اسلامی خود، رویکردی واقع‌گرایانه‌تر داشت. از این رو، وی در تاریخ‌نگاری جنگ‌های صلیبی با اتکا به اسناد دست‌اولی که در اختیار داشت، مطالب بدیعی را به رشته تحریر درآورده که بعضاً منحصر به فرد هستند (زرکلی، ۲۰۰۲: ۱۳۵/۵).

تاریخ‌نگاری جنگ‌های صلیبی ابتدا در میان صلیبیانی آغاز شد که از ابتدا در مجمع کلرمون حضور داشتند؛ از این رو آگاهی‌های اروپاییان از جنگ‌های صلیبی نظر به کنشگری متقدم آنها در جنگ‌های صلیبی دوپست ساله بیشتر از مسلمانان است. در میان این منابع کتاب فوشیه شارتی (Fulcher of Chartres) متولد ۱۰۵۸ (Peters, 1971: 23) با عنوان *Gesta Francorum Iherusalem peregrinantium* یا اعمال حاجیان بیت المقدس یکی از مهم‌ترین و دسته‌اول‌ترین منابع است. این نویسنده فرانسوی از حاضران در مجمع کلرمون فرانسه بود (Peters, 1971: 23). او به همراه استیون بلوایی (Stephen Count of Blois) در سال ۱۰۹۵ عازم مشرق زمین شد (Peters, 1971: 23) و در ژوئن سال ۱۰۹۷ م، کشیش مخصوص بالدوین اول شد (Asbridge, 2011: 129) از مهم‌ترین ویژگی‌های او واقع‌بینی در حوادث مربوط به مسیحیان صلیبی است. هرچند مانند بسیاری از صلیبیان، تعصب جای تعادل نگاه او را گرفته، اثر او آکنده از اطلاعات دسته‌اولی است که به صورت گزارش و مهم‌تر از آن به صورت رد تاریخی ارائه می‌کند. این اطلاعات شامل طیف وسیعی از اطلاعات سیاسی و اجتماعی است. از خلال این وقایع‌نگاه اخلاقی این نویسنده به اسیران مشهود است که در مقایسه با ابن اثیر جانبداری بیشتری دارد. با این حال مانند همتایان مورخ-کشیش خود در قرون وسطی متن

او آکنده از ضدیت با اسلام است. او مسلمانان را دشمنان مسیح دانسته و برای آنها القابی چون بت پرست، سنگدل و وحشی ذکر می‌کند. (شارتری، ۱۳۹۳: ۶۳). با این حال مورخان غربی در مقایسه با سایر وقایع‌نگاران مسیحی به او اعتماد بیشتری دارند (شارتری، ۱۳۹۳: ۵). نگاه دینی او چندان است که پیروزی‌ها و شکست‌های صلیبیان را به پایبندی اخلاقی آنها به شرع مسیحی نسبت می‌دهد. برخی اخلاقیات مسیحی مانند عدم تجاوز به زنان و منع کشتار اسیران به خصوص زنان و کودکان از نظر او بسیار است؛ با این حال او از تجاوزهای صلیبیان و کشتار اسیران به مثابه عدول از اخلاق مسیحی بیزاری می‌جوید و به منزله امری وجدانی با آن برخورد ندارد. با این حال در مقایسه با سایر مورخان باید به این نکته اشاره کرد که نگاه جانب‌دارانه وی تا حدی ناشی از حضور در بطن وقایع بوده و واقعیت خارجی در مورد استراتژی‌های نظامی درک می‌کرد. با این حال افراط صلیبیان در کشتار امری نبود که بعضاً نه از نظر استراتژی و نه از نظر اخلاقی توجیه داشت و همین امر اعتراض این مورخ مسیحی را برانگیخت. برای فهم بهتر رویکرد علما و مورخ جنگ‌های صلیبی در مورد اسیران ابتدا باید به وقایع تاریخی و زمینه‌های عینی رفتار با اسیران در جنگ‌های صلیبی پرداخت تا بتوان قضاوت اخلاقی مورخان را در مورد این وقایع ارزیابی کرد.

صلیبیان، فتوحات اولیه، راهبرد نسبت به اسیران

جنگ‌های صلیبی در شرایطی در شام رخ داد که تمامی شام درگیر هرج و مرج پس از مرگ تتش‌بن‌آلب ارسلان بود (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۲۳۰، ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۲۴۷/۱ و ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۳۴۲/۱). این هرج و مرج این امکان را به صلیبیان داد تا بتوانند سه کنت نشین رها، انطاکیه و طرابلس و پادشاهی بیت‌المقدس را در شرق مدیترانه بنیان نهند. با این حال این مهم دور از چشم آنها نماند که صلیبیان برای بقا نیازمند نیروهایی هستند که از اروپا به شرق می‌آمدند و کشتار آنها در یک نبرد تمام عیار سبب می‌شد تا ماهیت حکومت صلیبیان در شرق دچار تزلزل و نابودی شود (خاکرند و محمدی قناتغستانی، ۱۳۹۵: ۱۹۳-۲۳۴ و شارتری، ۱۳۹۳: ۸۶ و ۹۶). از این رو، چند استراتژی نظامی را در پیش گرفتند. نخست ایجاد اربابی بود

که از بدو ورود با کشتارهای فجیع در منطقه انجام دادند. دوم غارت سرزمین‌های مسلمانان و کشتار نیروی انسانی غیرنظامی که تولیدگران غذا بودند. این غارت‌ها و کشتارهای غیرنظامیان موج‌هایی از قطعی و بیماری را در سرزمین‌های اسلامی ایجاد کرد (Mohamadi, and khakrand, 2020: 8-10) که خود بنیه دول اسلامی متکثر منطقه را تضعیف کرد و سبب شد تا در بدو حضور شوالیه‌های اروپایی امنیت کافی برای حکومت‌های آنها فراهم شود. این راهبرد هرچند غیراخلاقی، اما به شدت مؤثر بود؛ چندانکه دولت اسلامی حلب که در محاصره سه کنت‌نشین رها، انطاکیه و طرابلس قرار داشت در بحرانی شدید فرو رود تا جایی که توانایی مقابله مستقل در برابر صلیبیان را نداشت و در نتیجه به حکومت‌های اسلامی دیگر مانند ارتقیان و اتابکان موصل متوسل شد (محمدی، ۱۴۰۰: ۱۷۶-۱۷۷). راهبرد سوم برای صلیبیان که متأخرتر از دو راهبرد نخست اتخاذ شد، تأسیس قلعه‌هایی ایدایی در مناطق راهبردی بود که تحرک نظامی را از مسلمانان در شام گرفت و تا آخر جنگ‌های صلیبی مؤثر واقع شد (Tibble, 2020: 222). مهم‌ترین کارکرد این قلعه‌ها غارت روستاها و منابع غذایی بود و در ضمن این غارت‌ها تعداد زیادی از افراد غیرنظامی به اسارت صلیبیان درآمدند. اسارت این غیرنظامیان که در میان آن حجاج مغربی که از شمال آفریقا به سمت حرمین می‌رفتند بسیار دیده می‌شد، باری بود که به دول اسلامی شام و مصر تحمیل می‌شد تا برای آزادی آنها هزینه‌های سیاسی و اقتصادی زیادی متحمل شوند. پس هر سه راهبرد اگرچه غیراخلاقی بود، کارکرد قابل توجهی داشت. با این حال رفتار خشونت‌بار صلیبیان در قبال غیرنظامیان گاه توجیهی واقع‌گرایانه نیز نداشت. برای نمونه کشتار بیت‌المقدس (شارتزی، ۱۳۹۳: ۶۳) و کشتاری که ریچارد اول در جنگ سوم صلیبی انجام داد باعث افزایش کینه مسلمانان علیه صلیبیان شد و خود تبعات جدی برای صلیبیان به همراه داشت. رهاورد این غارت‌ها و اسارت غیرنظامیان تعامل اجباری بیشتر مسلمانان با صلیبیان بود. در این تعاملات مسائل غیراخلاقی که با هیچ چشم‌پوشی مذهبی مورخان مسیحی قابل انکار نبود پیش آمد و آن نیز تجاوز به اسرا بود (شارتزی، ۱۳۹۳: ۹۱).

مسلمانان، استراتژی‌های نظامی و اسیران

در ابتدای حضور صلیبیان در شام، حکومت‌های مسلمانان به دلیل افتراق، اقدامی منسجم برای بیرون راندن صلیبیان انجام ندادند. این امر با توجه به تعداد حکومت‌های مسلمانان و تعداد پیروزی‌های صلیبیان بر مسلمانان در دوران افتراق مشخص است (محمدی قناتغستانی، ۱۳۹۳: ۷۳-۹۴). از سال ۵۲۱ ه.ق. که در شام دولت اتابکان زنگی تأسیس شد و زمینه‌های اتحاد و رویارویی همه جانبه با صلیبیان فراهم شد، راهبرد مسلمانان برای مقابله با صلیبیان به طور ویژه مبتنی بر کاهش توان غذایی و اقتصادی صلیبیان قرار گرفت. تقریباً همان راهبردی که صلیبیان در قبال مسلمانان در پیش گرفته بودند. از این رو، حکومت اتابکان زنگی بخش مهمی از فعالیت‌های نظامی خود علیه صلیبیان را بر غارت روستاها و اسارت مولدان غذا اختصاص داد. رهاورد این راهبرد، اسارت تعداد زیادی از افراد غیرنظامی بود (Mohamadi, and khakrand, 2020: 3-20). شارتی در مورد یکی از غارت‌ها می‌نویسد: «ترکان سرزمین‌های مجاور را ویران کرده و روستاها و کشاورزانی را که آذوقه شهر را تأمین می‌کردند غارت کرده بودند» (شارتری، ۱۳۹۳: ۱۲۸). این راهبرد همچنانکه برای صلیبیان کارآمد بود، برای مسلمانان دستاوردهای مهمی به دنبال داشت. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای آن تأمین امنیت برای مناطق اسلامی بود، به دلیل اینکه سرزمین‌های صلیبیان باریکه‌ای در سراسر سواحل شرقی مدیترانه بود. غارت نواحی شمال امنیت مناطق جنوبی و غارت مناطق جنوبی امنیت نواحی شمالی را در پی داشت؛ زیرا محدودیت قوای نظامی صلیبی آنها را از جنگ در شمال و جنوب بازمی‌داشت. این راهبرد به قدری مؤثر بود که در ادوار بعدی مانند دوره حکومت صلاح‌الدین ایوبی نیز مورد توجه بود (ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۲۷۸/۱). از سوی دیگر اسارت مردم عادی مسیحی در این غارت‌ها این امکان را برای مسلمانان فراهم آورد که تعداد قابل توجهی اسیران مسیحیان را در اختیار داشته باشند تا بتوانند با اسیران مسلمان به خصوص اسیران حاجی مغاربه در دست صلیبیان مبادله کنند. در این راهبرد، در منابع اسلامی ذکری از کشتار غیرنظامیان صلیبی در دست نیست.

با این حال مسلمانان بعضاً رفتاری تحقیرآمیز در قبال زنان اسیر شده داشتند که از جمله می‌توان به برهنه کردن زنان و وادار کردن آنها به راهپیمایی طولانی به صورت برهنه اشاره کرد (Nicholson, 2023: 88). همچنین گزارشاتی مبنی بر کشتار اسیران نظامی صلیبی توسط مسلمانان در دست است. این گزارش زمانی روایت شده است که صلاح‌الدین ایوبی در اقدامی تلافی‌جویانه در برابر کشتار مسلمانان به دست ریچارد اول، تعدادی از اسیران صلیبی را گردن زد (Ricardus, 1997: 231). مورد دیگر، کشتن فرماندهان نظامی بود که کینه‌توزی شدیدی علیه مسلمانان داشتند. صلاح‌الدین رینالد دی شاتیون را به دلیل غارت کاروان‌های تجاری و قافله‌های حجاج پس از اسارت شخصاً گردن زد (Hamilton, 1978: 107; Cobb, 2016: 188).

راهبرد دیگر مسلمانان در برابر صلیبیان کشتار نظامیان در نبردهای کلان بود. نظر به لطمه‌ای که این راهبرد به صلیبیان وارد می‌کرد، شوالیه‌های صلیبی به شدت از قرار گرفتن در موقعیتی که قتل‌عام آنها را به دنبال داشته باشد به شدت دوری می‌کردند. در نبرد دشت خون در زمان ایلغازی بن ارتق (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۳۸۹/۱-۳۹۱) در نبرد اثارب در زمان عمادالدین زنگی (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۴۱/۲۵) و نبرد حطین، در زمان صلاح‌الدین ایوبی تأثیر این راهبرد به خوبی خود را نشان داد (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۸۲/۲۹-۸۹). این راهبرد چندان مؤثر بود که در مواقعی که مسلمانان از آن احتراز می‌کردند، تبعات نظامی و طولانی مدتی برای آنها به همراه داشت. صلاح‌الدین پس از پیروزی مسلمانان در حطین، شهرهایی را که تصرف کرد، نظامیان و غیرنظامیان صلیبی را آزاد گذاشت تا به صور روند. همین امر باعث شد تا قوای قابل توجهی از صلیبیان در این شهر گردآمده و بتوانند بعداً شهرهای دیگر مانند عکا را مجدداً تصرف کنند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۴۳/۲۹)؛ هرچند از نظر اخلاقی این کار ستوده‌ای بود که صلاح‌الدین در قبال دشمنان خود انجام بود، نظر به این واقعیت، ابن اثیر سلطان ایوبی را به شدت هدف انتقاد خود قرار می‌دهد (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۳۶/۲۹).

قضاوت اخلاقی در مورد مصادیق تاریخی در جنگ‌های صلیبی

جنگ‌های صلیبی از فراخوان پاپ در سال ۱۰۹۵ در کلرمون آغاز شد (Duncalf, 1969: 252-1/220) و مورخان کشیش قرون وسطی توقع داشتند که این حرکتی مذهبی و پایبند به اخلاقیات کلیسا باشد، اما در واقعیت خارج از انتزاع مورخان-علماء، وقایعی رخ داد که با موازین اخلاقی مسیحی قابل قیاس نبود. برخی مورخان مسیحی از کنار این مسئله با نادیده گرفتن کنش‌های غیراخلاقی صلیبیان گذشتند و برخی دیگر مانند ریموند آگیلی شکست‌های صلیبیان را متأثر از رفتار غیراخلاقی آنها دانستند و برای تأیید مدعای خود برای تأثیر بی‌اخلاقی صلیبیان بر شکست‌های آنها، پیروزی‌های آنها را ناشی از توبه و رویگردانی شوالیه‌ها از امور غیراخلاقی می‌دانستند. با این حال باید توجه داشت که ایدئال مدنظر کشیشان مسیحی، در واقعیت خارجی قابل اجرا نبود، زیرا اروپاییان در سرزمینی می‌جنگیدند که کیلومترها از سرزمین اصلی آنها دور بود و در نتیجه قوای کافی برای تحصیل پیروزی قاطع نداشتند. این امر سبب می‌شد برای تأمین پیروزی‌های خود به راهبردهایی دست زنند که چندان با اخلاقیات در یک راستا نبود. یکی از این راهبردها، ایجاد رعب و وحشت در میان مسلمانان بود و ابزار این راهبرد غالباً در جنگ‌های آغازین صلیبی کشتار غیرنظامیان و اسرا بود. در کنار این، شوالیه‌های نورمن، ژرمن و فرانک در سرزمین خود چندان پایبند اصول اخلاقی نبودند. حال زمانی که آنها در مبارزه با کفار ساراسن بودند (کاردینی، ۱۳۹۳: ۲۳) و از طرف پاپ وعده آمرزش گناهان آنها داده شده بود (Guibert de Nogent, 1905: 513-517) مشروعیت بیشتری برای انجام امور غیراخلاقی مانند تجاوز به زنان مسلمان پیدا می‌کردند. برای مسلمانان نیز این امر نیز چندان متفاوت نبود. از زمان پیامبر اسلام، احکام دقیقی در مورد زنان اسیر کافر، اهل کتاب و مسلمان وجود داشت که با مرور زمان و توسعه فقه اسلامی در مذاهب مختلف این مسئله ابعاد جزئی‌تر به مراتب دقیق‌تری پیدا کرد. جنگ‌های صلیبی برای مسلمانان مانند اروپاییان ابتدا جنگی مذهبی نبود، اما همین که رویارویی میان مسلمانان و مسیحیان رخ داد، خواه‌ناخواه به صورت جنگی مذهبی تعریف شد. با این وجود در رفتار حکام اسلامی شام که در تعارض مستقیم با صلیبیان قرار داشتند هم‌پیمانی

با مسیحیانی که حکومت آنها را تقویت می‌کردند به مراتب بهتر از همراهی با مسلمانانی بود که می‌توانستند حکومت آنها را به خطر اندازند. این مسئله در منابع تاریخی مصادیق زیادی دارد (ابن‌قلنسی، ۱۹۸۳: ۲۶۹)؛ اما مردم عادی که اولین طعمه‌های خشونت صلیبیان بودند اولین واکنش‌ها را در برابر صلیبیان نشان دادند و برای کسب حمایت حکام منطقه، سلاطین سلجوقی و خلفای بغداد تلاش‌های زیادی کردند (ابن‌عدیم، ۱۴۲۵: ۳۶۸/۱).

در این فعالیت‌ها، علمایی که برای امنیت مسلمانان در سرزمین‌های شام و جزیره تلاش می‌کردند، بیشتر به جنگ با صلیبیان جلوه مذهبی دادند. شاخص‌ترین آنها فعالیت‌های قاضی شیعی حلب، ابوالفضل بن خشاب بود که در نبرد دشت خون مسلمانان را به جهاد اسلامی علیه صلیبیان انگیخت (محمدی، ۱۴۰۰: ۱۸۳). جهاد علیه صلیبیان حدود سی تا پنجاه سال پس از حمله صلیبیان به سرزمین‌های اسلامی در زمان قدرت‌گیری اتابکان زنگی در شام، به صورت گفتمانی درآمد. منابعی که در مورد جنگ‌های صلیبی به وقایع‌نگاری پرداختند، هر قدر از آغاز جنگ‌های صلیبی فاصله داشتند جانبداری اخلاقی بیشتری در مورد این جنگ‌ها پیدا کردند. برای نمونه، ابن‌اثیر در الکامل فی التاریخ، برای افرنج (صلیبیان) از کلماتی مانند «لعنهم الله» و «خذلهم الله تعالی» استفاده می‌کند (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵: ۳۷۳/۱۰). درحالی‌که این جانبداری اخلاقی در کتاب تاریخ الدمشق ابن‌قلنسی کمتر دیده می‌شود. مورخان مسلمان مانند همتایان مسیحی خود به ذکر بی‌اخلاقی همکیشان خود یا پرداختند و یا با ذکر حداقلی پرداخته‌اند. برخی مانند ابن‌واصل که از علما مورخان سنی مذهب مصر بوده آشکارا از ایوبیان جانبداری می‌کند، گاهی رفتار مسلمانان در کشتار مسیحیان را اخلاقی توصیف می‌کند (ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۹۱/۲). در این میان ابن‌اثیر با وجود گرایشات مذهبی خود جانبداری اخلاقی کمتر مانند ابن‌واصل دارد. آنچه از نگاه اخلاقی ابن‌اثیر می‌توان یافت این است که گاهی که مستقیماً با جوانب شرعی و غیرشرعی، اما غیراخلاقی جنگ مواجه می‌شد، قضاوتی اخلاقی وجدانی ارائه می‌دهد. در مواقعی که براساس اسناد و گزارشات و به‌طور غیر مستقیم به گزارش وقایع می‌پردازد، نگاه اخلاقی جانبدارانه به سمت نیروهای مسلمان دارد. با این حال باید مدنظر داشت که ابن‌اثیر در نگاه

علی و معلولی خود، به واقعیت‌های خارجی به مثابه عاملی تعیین‌کننده در مسائل نظامی مسلمانان و صلیبیان توجه دارد. برای نمونه، غارت شهرهای صلیبیان و کشتار غیرنظامیان راهبردی بود که مسلمانان برای کاهش بنیه غذایی و اقتصادی صلیبیان از زمان اتابکان زنگی به طور جد در پیش گرفتند. این امر اگرچه از نظر اخلاقی کاری ناشایست بود، راهبردی بسیار مؤثر برای پیروزی مسلمانان بود. از این رو، ابن‌اثیر غالباً ضمنی این رفتار را تأیید کرده (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۲۳/۳۷۳) و گاهی صراحتاً به بیان این استراتژی پرداخته است (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۲۳/۳۴۰). این در حالی است که ابن‌اثیر در مورد وقایع همزمان در جهان اسلام و اسیر گرفتن مسلمانان از یکدیگر به خصوص در مورد زنان و کودکان و بعضاً تجاوز به زنان نگاه اخلاقی شدیدتری دارد (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۲۳/۳۷۴).

آرای اخلاقی ابن‌اثیر و فوشیه شارتزی در مورد اسیران

بنابر واقعیات خارجی هم ابن‌اثیر و هم شارتزی ملاحظاتی در مورد اسیران و رفتاری داشتند که با آنها می‌شد. هر دو مورخ تعلیمات دینی اسلامی و مسیحی بر نگاه آنها سایه انداخته است؛ اما باید توجه داشت تفاوت‌های دینی اسلام و مسیحیت تفاوت‌هایی در نگاه اخلاقی هرکدام داشته است. برای ابن‌اثیر مکافات اعمال، امری الهی است که در سراسر الکامل فی التاریخ خود را پنهانی و آشکار نشان می‌دهد؛ از این رو، روایت تاریخ خود بیان عبرتی برای خوانندگان است که پند گرفته و موازین اخلاقی و دینی را در زندگی خود رعایت کنند. او به صراحت در مورد بی‌اخلاقی یکی از قضات موصل بیان می‌کند: «این واقعه درس عبرتی است» (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۲۴/۴۴). در حالی که در نگاه مورخ مسیحی این عبرت شکل دیگری داشته و متعهد بودن به شرع مسیحی عواقب نیک به دنبال دارد و برعکس آن عدم پایبندی، تبعات بدی چون شکست را به دنبال دارد (شارتزی، ۱۳۹۳: ۵۳). نگاه علی و معلولی ابن‌اثیر نسبت به هم‌تای مسیحی خود بیشتر بوده، از این رو بعد از بیان وقایع تاریخی در جمع‌بندی نگاه اخلاقی خود را لحاظ می‌کند، اما برای شارتزی این نگاه علی و معلولی به مراتب کمتر است. از نگاه او پیروزی صلیبیان غالباً ناشی از اعتقاد و شجاعت سربازان عیسی است تا استراتژی نظامی آنها.

از آنجاکه ابن‌اثیر به تبیین علی‌اعمال مسلمانان در قبال اسیران صلیبی و غارت سرزمین‌های آنها پرداخته نگاه واقع‌گرایانه‌تری نسبت به شارتی دارد و در عین حال بعضاً جایی که منافع سیاسی مسلمانان با مسائل اساسی اخلاقی در تضاد است، آن را مورد انتقاد قرار می‌دهد. همچنانکه وی در مصادیق متعددی تلاش می‌کند از رخداد و عواقب آن رخداد درسی اخلاقی برای خوانند استخراج نماید. این نگاه علی‌سبب واقع‌گرایی ابن‌اثیر شده و از این رو، به صراحت غارت غیرنظامیان صلیبی را به وسیله حاکم طرابلس اینگونه شرح می‌دهد: «در طرابلس فخر الملک بن عمار حکومت داشت و او یاران خود را سوار بر کشتی نموده بر بلادی که در دست فرنگیان بود می‌تاختند و هر کس که می‌دیدند می‌کشتند. قصد ابن‌عمار از این کار این بود که شهر را از کشت‌کاران و زارعان خالی کند تا مواد کاهش یافته فرنگیان (ناگزیر شوند) از آنجا کوچ کنند» (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۲۳/۳۴۰). در مورد اسیران زن و کودک نیز هرچند مورخ مسلمان به جانبداری از همکیشان خود می‌پردازد، اما شکست‌های مسلمانان را در گناهان آنها جست‌وجو نمی‌کند. وی هرچند صلیبیان را با «خذلهم الله» یاد می‌کند، اما با ذکر واقعیات به این نکته اشاره می‌کند که اسارت غیرنظامیان در پی عهدشکنی صلیبیان بود (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۲۳/۳۴۷) یا با غلبه فرنگیان و طبق گفتمان آن دوره صورت پذیرفت (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۲۳/۲۹۹). مورخ مسلمان مسائلی را که مربوط به تجاوز به زنان اسیر مسلمان است بیان نمی‌کند. در این باره مقداری حجب دینی نهفته است چندان که شارتی نیز اینگونه است (شارتی، ۱۳۹۳: ۹۱)، اما تفاوت آنها در این است که ابن‌اثیر به روابط جنسی میان مسلمانان و اسیران زن صلیبی اشاره نمی‌کند، زیرا رابطه جنسی با اسیران اهل کتاب در فقه اسلامی تعریف شده بود؛ اما مورخ مسیحی به تجاوزات صلیبیان به زنان مسلمان اشاره می‌کند - هرچند آن را از نظر رابطه برون از خانواده و در نگاه کلی قبح رابطه جنسی ارزیابی می‌کند نه به منزله تجاوز - سخنی از تجاوزات مسلمانان به زنان صلیبی به میان نمی‌آورد. می‌توان این عدم گزارش را در سرشکستی ناشی از هتک حرمت زنان مسلمان دانست. از این نظر شارتی اطلاعات جزئی تاریخی را در اختیار قرار می‌دهد که مورخ مسلمان به خاطر گفتمان اخلاقی حاکم بر جامعه خود از گفتن آنها طفره می‌رود.

از نگاه مورخان صلیبی مسلمانان کسانی بودند که به شکل‌های وحشتناکی به فسخ و فجور جنسی اعتیاد دارند. آنها مسلمانان را اینگونه توصیف می‌کردند که میل خاصی به بدن زنان مسیحی پاکدامن دارند (Tudebode, 1974: 92). داستان‌های متعددی در مورد تلاش سربازان ترک برای فریب دادن زنان پاک‌دامن یا زنان روسپی صلیبی در منابع صلیبی وجود دارد (Albert of Aachen, 2007:327-28 and 436). این مسئله برای مورخ غربی شهوت‌رانی و مسئله‌ای غیراخلاقی است. در حالی که برای مسلمانان امری غیراخلاقی نیست، زیرا ازدواج با کنیز و تعدد زوجات در شرع اسلامی امری پذیرفته شده بود.

اما فارغ از این نگاه جانبدارانه، کشیشان مورخ بیان داشتند که تجاوز به زنان شرقی جزئی از رفتار صلیبیان بود (Tudebode, 1974: 99). این مسئله‌ای بود که از نظر شرعی برای صلیبیان حرام بود و طبعا امری غیراخلاقی نیز به شمار می‌رفت. از این رو، شارتری بیان می‌کند که قطعاً صلیبیان زمانی می‌توانند تاییدات ربانی را به دست آورند که معشوق‌های محلی خود را رها کنند (شارتری، ۱۳۹۳: ۴۲)؛ البته چنانکه مورخ فرانسوی مکرر اشاره می‌کند با کناره‌گیری صلیبیان از گناهان پیروزی الهی نصیب آنها می‌شد. «معلوم شد که آنچه برای او و دیگران اتفاق افتاده نتیجه خطاها و تکبرشان بوده است؛ اما آنان که نجات یافتند در رفتن به قدس تردید نکردند» (شارتری، ۱۳۹۳: ۱۰۰). با این حال خود او ذکر می‌کند که صلیبیان از اسیران زن مسلمانانی که برای کار در خانه به منزل می‌آوردند توقع برطرف کردن نیاز جنسی داشتند (شارتری، ۱۳۹۳: ۱۴۱). باید در مورد نگاه اخلاقی شارتری به اسیران غیرنظامی این نکته را هم مدنظر داشت که وی در ابتدا همگام با روحیه صلیبی‌گری، غالب رفتار صلیبیان را مشروع دانسته و میزان رضایت خدا از آنها را دوری از گناهان و به طور ضمنی دوری از مسلمانان می‌داند؛ اما با استقرار حکومت اورشلیم و مواجهه با واقعیات شرایط جدید وی آمیختگی با زنان مسلمان را به صورت ازدواج می‌پذیرد و آن را به مثابه عادت صلیبیان پس از جنگ اول صلیبی ذکر می‌کند. تجاوز صلیبیان به زنان مسلمانانی که در قلمرو آنها بودند امری عادی بود؛ از این رو پس از مدتی در سال ۱۱۲۰ م. مجلس نابلس برای آن مجازات‌هایی تعیین کرد (Mayer, 1982: 531-543).

در کل تجاوز به زنان مسلمان امری نبود که شارتزی آن را از قوای صلیبی بپذیرد؛ از این رو کشتار زنان در شکست کربوقا برای او امری باشکوه است زیرا به زنان تجاوز نکردند. وی درباره این رویداد می‌نویسد «فرانک‌ها متعرض زنانی که در خیمه دشمن یافتند نشدند و فقط شکم‌هایشان را با شمشیر دریدند. [صلیبیان] با فریادی سرشار از شادمانی همگی به عظمت خداوند اقرار کردند و به لطف او از دست بی‌رحمی دشمنان نجات یافتند. آنان کسانی بودند که در سخت‌ترین گرفتاری‌ها و نیازمندی‌ها به خداوند اعتماد می‌کردند و با قدرت او توانستند ترکان را شکست داده، پراکنده سازند» (شارتزی، ۱۳۹۳: ۴۹). چندانکه از این متن آشکار است، این کار صلیبیان از نظر مورخ امری غیراخلاقی نبود؛ زیرا آنها متعرض زن‌ها نشده بودند و با ایمان دشمن را شکست دادند. فحشا به خصوص، به دلیل گناه ذاتی آن، اغلب به عنوان به خطر انداختن موفقیت لشکرکشی‌های صلیبیون محکوم می‌شد (Brundage, 1985: 389). با این حال با گذر زمان و کم شدن هیجانات جنگ‌های صلیبی اولیه از خشونت‌های غیرعادی علیه زنان و کودکان کاسته شد. در نبرد قیساریه پس از کشتار نظامیان به خرید و فروش اسیران پرداختند:

«هنگامی که شرقیان، شجاعت مردان ما را دیدند و یقین کردند که شهر سقوط خواهد کرد به جایی گریختند تا شاید بتوانند کمی بیشتر زنده بمانند، اما جای گریزی نبود. ما آنها را هلاک کرده و به مرگی که مستحقش بودند رساندیم. جز تعداد اندکی از مردان را باقی نگذاشتیم، ولی عده زیادی از زنان را نگاه داشتیم، چراکه دست‌کم می‌توانستیم از آنها در آسیاب‌ها استفاده کنیم؛ اما هنگامی که فرنگیان زنان را اسیر کردند زشت و زیبای ایشان را در میان خود خرید و فروش کردند و با مردان نیز همین کار را انجام دادند» (شارتزی، ۱۳۹۳: ۹۰).

پس از آن اسارت زنان به تعداد زیاد در این منبع دیده می‌شود و مورخ از اسارت زنان و کودکان و شرایط بد آنها احساس تأسفی ندارد و حتی گاهی اسارت آنها را از معجزات شگفت‌انگیز الهی می‌داند (شارتزی، ۱۳۹۳: ۱۴۱). در وقایعی که شارتزی ثبت کرده خشونت‌های دیگر علیه مسلمانان هم چندان مسئله‌ای غیراخلاقی و قبیح نیست و حتی گاهی از خشونت‌های صلیبیان با تجلیل یاد می‌کند و گاه این خشونت‌ها را توجیه

می‌کند. وی در مورد کشتار معره اینگونه می‌نویسد:

«این دو فرمانده و مردانشان با شجاعت بسیاری که در جنگ از خود نشان دادند وارد دو شهر البجره (بارا) و معره النعمان (مارا) شدند آنها با سرعت بسیار شهر اول را به اشغال خود درآوردند و همه ساکنان آنجا را نابود و هر آنچه را در شهر بود مصادره کردند. سپس به سوی شهر دوم شتافتند. بیست روز آن را محاصره کردند و در خلال آن مردان ما از گرسنگی شدید در رنج افتادند. تنم می‌لرزید وقتی به یاد می‌آورم که بسیاری از مردانمان که گرسنگی آنها را از پای درآورده بود و به مرز جنون رسیده بودند گوشت مانده جنازه‌های شرقیان را که بر زمین افتاده بود تکه تکه می‌کردند می‌پختند و می‌خوردند حتی با وحشی‌گری گوشت‌ها را پیش از آنکه پخته شود می‌بلعیدند» (شارتری، ۱۳۹۳: ۵۴).

واقعه آدم‌خواران معره در منابع اسلامی ذکر نشده است. این امر را به قرائن متعدد می‌توان در حیای گفتمان تاریخ‌نگاری اسلامی جست‌وجو کرد؛ زیرا نه فقط در مورد صلیبیان، بلکه در مواقع دیگر در تاریخ اسلام کشتارهای فجیع در تاریخ‌نگاری جایی نداشتند و ما اکنون بر اساس تواریخ دیگر مانند تواریخ مسیحی بر آنها آگاه هستیم. البته در مورد صحبت‌های قاضی هروی دمشق در بغداد به کنایه از خشونت و بی‌اخلاقی صلیبیان سخن به میان آمده است. در اینجا شارتری آدم‌خواری صلیبیان را با دلسوزی بیان می‌کند و آن را ناشی از گرسنگی می‌داند، درحالی‌که وقایع‌نگاران همدوره او این آدم‌خواری را بعد از گشایش معره ذکر کردند و علت آن نیز گرسنگی ندانستند. شاید اوج خشونت‌های صلیبیان را بتوان در فتح بیت المقدس دید. کشتاری که صلیبیان در بیت المقدس انجام دادند از نظر صحت وقایع، مورد اتفاق پژوهشگران تاریخ است. شارتری این خشونت‌ها را با اشتیاق بیان می‌کند و تأسف وی برای کشتار زنان و کودکان نیز در حد یک سؤال استفهام انکاری است:

«آنها در همه‌شهیورها و فریادها با شجاعت و با شعار «خدایا یاریمان کن» هجوم خود را آغاز کردند... ترس و وحشت در دل‌های کافران افتاد... هر چه آنها در فرار مصمم‌تر می‌شدند، تعقیب‌کنندگانشان کنت ریموند و مردان او که محاصره را تنگ کرده و از ناحیه

دیگر به شهر حمله کرده بودند، از آنچه در شهر اتفاق افتاده بود اطلاعی نداشتند تا اینکه مشاهده کردند شرقیان از حصار شهر پایین می‌آیند. وقتی چنان دیدند در اوج شادمانی و با سرعت بسیار حرکت کرده، وارد شهر شدند و به دوستان خود پیوستند به ایشان ملحق شدند و دشمنان شرور خود را بی‌وقفه کشتند. برخی ایشان، از عرب و حبشی به برج داوود گریختند و گروه دیگری خود را به معبد سلیمان و معبد رب رسانده و در آنجا گرد آمدند در صحن این ساختمان مردان ما هجومی سخت به شرقیان بردند و هیچ یک از آنها را از شمشیر ما گریزی نبود. تیرها به سوی شرقیانی که به بالای معبد سلیمان رفته بودند پرتاب شد و با سر به پایین سقوط کردند در این معبد سرهای قریب ۱۰ هزار نفر از تن جدا شد و اگر آنجا بودی از پای تا سرت به خون کشتگان آغشته می‌شد. چه بگویم؟ از ایشان هیچ کس باقی نماند و به هیچ زن و کودکی نیز رحم نکردند» (شارتزی، ۱۳۹۳: ۶۲-۶۳).

مورخ فرانسوی در جنگ‌های صلیبی اولیه چندان نقد اخلاقی به سپاه مسیحی ندارد و تنها نقد او به آنها زمانی است که شکست می‌خورند و این در منظومه فکری او ناشی از عدم تبعیت از فرمان خدا بود. با این حال کمی بعد از فتح بیت المقدس و فجایع آن خشونت‌های صلیبیان آنقدر بیشتر شد که این کشیش ساکت نماند. رفتار صلیبیان در قبال اجساد مسلمانان در بیت المقدس و قیساریه شارتزی را شوکه کرد:

«چه بسیار وحشت زده می‌شدی اگر می‌دیدى مردان پیاده وزره پوش ما را که پس از آگاهی از نقاط ضعف شرقیان، شکم کسانی را که می‌کشتند پاره می‌کردند تا از درون آن دینارهای طلایی را بیرون آورند که در زمان حیات خود بلعیده بودند به همین دلیل پس از چند روز، مردان ما تعداد زیادی از اجساد را روی هم انباشتند و آتش زدند و خاکستر کردند تا آسان‌تر به این طلاها دست یابند... شرقی‌ها با مراسم بی‌معنا و یاوه خود به عبادت بت‌هایشان مشغول بودند و به مسیحیان اجازه ورود نمی‌دادند. مردان ما با شمشیرهای آبدار در شهر تاخت و تاز کردند. احدی را باقی نگذاشتند، حتی آنانی را که تقاضای رحم و مروت می‌کردند همه بر زمین افتادند» (شارتزی، ۱۳۹۳: ۶۳).

وی مشابه فجایع بیت المقدس را در مورد قیساریه نیز نقل می‌کند: «وقتی یکی از ما با شمشیر خود، گردن یکی از شرقیان را می‌زد از دهانش بین ده تا شانزده دینار طلا بیرون می‌ریخت و گاه برخی زنان بی‌شرمانه دینارهای طلا را در داخل بدن خود به شیوه‌ای زشت پنهان می‌کردند که حیا مانع ذکر آن است» (شارتری، ۱۳۹۳: ۹۱).

تصوری که مورخ صلیبی از مسلمانان داشت بیشتر خشونت‌های صلیبیان را علیه آنان مشروع جلوه می‌داد. حتی اگر فعالیت صلیبیان با اصول اولیه اخلاقی در تضاد باشد. برای نمونه، در مورد کشتار مردم طرابلس به راحتی از کنار بدعهدی صلیبیان در مورد جان مسلمانان می‌گذرد: «به هر شرقی که می‌رسیدند، سر او را می‌بریدند. با آنکه پیش از آن... توافقی... کرده بودند» (شارتری، ۱۳۹۳: ۱۲۶).

این خشونت‌ها و تجاوزات صلیبیان اگرچه در تواریخی عمومی مانند الکامل ذکر نشده، در منابع محلی و روزنگاری‌هایی چون الاعتبار ذکر شده‌اند. در این منابع می‌توان با بخشی از تاریخ عامه مردم مسلمان در این برهه آشنا شد. براساس گزارشات اسامه بن منقذ در کتاب الاعتبار مسلمانان از اسارت زنان و دختران خود به دست صلیبیان به شدت متنفر بودند. اسامه ضمن روایت داستانی در این باره قضاوتی اخلاقی ارائه می‌کند:

«در میان سپاهیان شهر الجسر مردی گُرد بود... او دختری داشت به نام رفول. فرانک‌ها در حمله به شهر، رفول را به اسارت بردند. پدر رفول از شدت ناراحتی دچار وسواس شد و به هر کس می‌رسید با حالت اعتراض می‌گفت: «رفول به اسارت رفت!» فردای آن روز که ما بر رودخانه قدم می‌زدیم ناگهان در آب یک سیاهی دیدیم. به یکی از غلامان گفتم در آب شنا کن و بنگر که این سیاهی چیست؟ وقتی غلام به آن سیاهی رسید، دریافت که آن سیاهی جسد رفول است که لباس آبی بر تن داشت رفول که نمی‌خواست اسیر فرانک‌ها، باشد خود را از اسب به آب افکنده، غرق شد. پس از آن اندوه و درد ابوالجیش پدر رفول فروکش کرد» (ابن منقذ شیزری، ۱۳۹۳: ۱۶۱).

خودکشی رفول برای اسامه نمونه‌ای از افتخار زنان است که به دست صلیبیان گرفتار نشد. براساس گزارش منابع صلیبی در مورد رفتار با اسیران، اسامه و ابوالجیش در این روایت از سرنوشت زنان اسیر در دست صلیبیان آگاه بودند، از این رو مرگ زن را بهتر از اسیری به دست صلیبیان می‌دانستند. با وجودی که ابن اثیر مورخی مورد اعتماد است و نگاه دقیق و مستندی به وقایع دارد، اما غالب اتکای ابن اثیر برای وقایع‌نگاری بر منابع دیوانی خصوصاً در دوره اتابکان زنگی و ایوبیان بوده و از این رو مانند اسامه بن منقذ، تجربه‌ای دست اول از رویارویی با صلیبیان ندارد. وی در مواقع متعددی که از اسارت مسلمانان به دست صلیبیان سخن به میان می‌آورد، به طور مختصر به اظهار تأسف می‌پردازد و در مورد اسارت صلیبیان به دست مسلمانان به ستایش خدا می‌پردازد. با این حال مستندترین نگاه اخلاقی وی در مورد وضعیت اسیران صلیبی در دست مسلمانان زمانی است که خود تجربه‌ای مستقل در مورد وضعیت اسیران داشت. وی در ذکر وقایع سال ۵۸۳ پس از فتح یافا به دست العادل برادر صلاح‌الدین ایوبی می‌نویسد:

«این شهر (یافا) بر کرانه دریا بود. عادل، آنجا را در میان گرفت و با خشونت بر آن چیره شد. آنگاه دست به یغماگری نهاد و مردان شهر را گرفتار کرد و زنان و کودکان ایشان را نیز اسیر و آواره ساخت. از این پیشامد، بر مردم یافا روزگاری گذشت که بر هیچ‌یک از مردم آن شهرها نگذشته بود. من در حلب می‌زیستم و دارای کنیزی بودم از اهل یافا که کودکی تقریباً یک ساله داشت. این بچه از دستش بر زمین افتاد و چهره‌اش خراشیده شد. زن از این پیشامد گریه بسیار کرد. من او را دلداری دادم و آگاه ساختم که بچه‌اش صدمه‌ای ندیده که درخور گریستن باشد. گفت: «من به حال او گریه نمی‌کنم. به بدبختی خودمان گریه می‌کنم. من شش برادر داشتم که همه به هلاک رسیدند. شوهر داشتم، دو خواهر داشتم و هیچ نمی‌دانم چه بر سرشان آمده است.» این سرنوشتی بود که فقط یکی از زنان یافا داشت، باقی هم به همین نسبت بودند. در حلب یک زن فرنگی را هم دیدم که با آقای خود، به در خانه‌ای رسید. آقای او در خانه را کوفت. صاحب‌خانه بیرون آمد و با آن دو تن به گفت‌وگو پرداخت. آنگاه از خانه خود زن دیگری را که او هم فرنگی بود بیرون آورد. دو زن وقتی چشمشان به هم افتاد،

فریاد کشیدند و یکدیگر را در آغوش گرفتند و در حالی که ناله و زاری می‌کردند، به زمین افتادند. بعد نشستند و با هم به درد دل پرداختند و از آنچه بر سرشان آمده بود، حکایت کردند. این دو زن، خواهر بودند وعده‌ای خویشاوند داشتند که از سرنوشت هیچ‌کدامشان آگاه نبودند» (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۹۹/۲۹ و ۱۰۰).

از نظر فقهی این تعامل با اسیران شرعی بود، اما ابن‌اثیر در اینجا اظهار نظری اخلاقی ورای نگاه شرعی دارد؛ از این رو، با دیدگاه شارتی در مورد تعامل با اسیران غیرنظامی مسلمان بسیار متفاوت است. شارتی با وجود خشونت‌های غیرعادی صلیبیان جانب مسلمانان را ننگرفته و بر حال آنها تأسف نمی‌خورد، در حالی که ابن‌اثیر نگاهی اخلاقی‌تر نسبت به وضعیت مسلمانان داشت.

نتیجه‌گیری

در اسلام و مسیحیت مبانی اخلاقی دقیقی برای موقعیت‌های مختلف تعریف شده است، اما التزام پیروان این ادیان به مبانی و دستورات اخلاقی امری خارج از حیطه اخلاق دینی بود. از این رو، کنش‌های تاریخی با انتزاع اخلاقی لزوماً تطابق نداشته است. در جنگ‌های صلیبی هرچند علما مورخان مسیحی و مسلمانی وجود داشتند که بر اصول اخلاقی دین خود اشراف داشتند، اما هنگام وقایع‌نگاری با واقعیت خارجی مواجه بودند که در بسیاری مواقع با مبانی اخلاقی در تضاد بود. هم ابن‌اثیر و هم شارتی در مسئله اسیران و رفتاری که گروه متخصص با آنها می‌کرد، واقع‌گرایی مبتنی بر شرایط را مدنظر داشته‌اند؛ زیرا با توجه به شرایط زمانه برای پیروزی، امکان التزام به مبانی اخلاقی وجود نداشت. هر دو مورخ این امر را به خوبی لمس می‌کردند و به خاطر جانبداری از دین خود، غالب انتقاد اخلاقی آنها ناظر به دشمنشان بود. در این میان ابن‌اثیر به خاطر نگاه علی و معلولی به وقایع نسبت به همتای مسیحی خود، تعصب کمتری داشته و با رویدادهای تاریخی واقع‌گرایانه‌تر مواجه می‌شود. همین نگاه منطقی سبب شده تا خلاف گفتمان دینی غالب، برای اسیران غیرنظامی که خود به صورت اول شخص از شرایط آنها تجربیاتی داشته، براساس وجدان به قضاوت اخلاقی

بپردازد؛ اما شارتی متأثر از زمینه‌های هیجانی جنگ‌های صلیبی اولیه، تنها زمانی که شوالیه‌های صلیبی از شرع مسیحی تخطی کنند نقد اخلاقی به آنها وارد می‌کند، ولی در متن او نسبت به اسیران مسلمان و شرایط آنها دلسوزی به چشم نمی‌خورد. وی حتی بعضاً اعمال خشونت آمیز صلیبیان را توجیه کرده و با شکوه از آن یاد می‌کند؛ اما به خوبی می‌توان در متن او روندی از کاهش هیجانات اولیه صلیبیان را مشاهده کرد.

فهرست منابع

۱. ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۳۷۱). کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران. ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۳۴۴). الکامل فی التاریخ. بیروت: دار صادر.
۳. ابن خلّکان، احمد. [بی تا]. وفيات الأعیان. احسان عباس. بیروت: دارالفکر.
۴. ابن عدیم، عمر. (۱۴۲۵). زبده الحلب من تاریخ حلب. سهیل زکار. دمشق: دارالکتب العربی.
۵. ابن عماد حنبلی، عبدالحی. (۱۹۸۶). شذرات الذهب. دمشق: دار ابن کثیر.
۶. ابن قلانسی، حمزه بن أسد. (۱۹۸۳). تاریخ دمشق لابن القلانسی. سهیل زکار. دمشق: دار حسان للطباعة والنشر.
۷. ابن منقذ شیزری، اسامه. (۱۳۹۳). الاعتبار، تاریخ جامع جنگ های صلیبی (متون اسلامی). عبدالله ناصری طاهری و بهادر قیم. قم: حوزه و دانشگاه.
۸. ابن واصل، جمال الدین بن سالم. (۱۳۸۳). تاریخ ایویان. پرویز اتابکی. تهران: علمی و فرهنگی.
۹. حامد البکر، راغب. (۱۴۱۳). «الأسرى المسلمون فی الحروب الصلیبیه». آداب الرافدین. شماره ۲۵. ۲۵۱-۲۶۵.
۱۰. خاکرند، شکرالله و محمدی قناتغستانی، مهدی. (۱۳۹۵). «تبیین آماری جنگ های اتابکان زنگی از سال ۵۲۱ تا ۵۶۹ هجری قمری». فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام. شماره ۴ (زمستان ۹۵، پیاپی ۶۸). ۱۹۳-۲۳۴.
۱۱. زرکلی، خیرالدین. (۲۰۰۲). الأعلام. بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۲. شارتری، فوشیه. (۱۳۹۳). تاریخ حاجیان بیت المقدس، تاریخ جامع جنگ های صلیبی، جنگ اول صلیبی (منابع). زهرا نظری. قم: حوزه و دانشگاه.
۱۳. فروخ، عمر. (۱۹۸۶). تاریخ الأدب العربی. بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۴. کاردینی، فرانکو. (۱۳۹۳). تاریخ روابط اسلام و اروپا. هالدین بازرگانی گیلانی. تهران: علم.
۱۵. محمدی قناتغستانی، مهدی. (۱۳۹۳). «بررسی نسبت تعداد حکومت های شام با میزان

- پیروزی مسلمانان در جنگ‌های صلیبی از سال ۴۹۰ ق تا ۵۶۹ ق». فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام. شماره ۱ (بهار و تابستان، سال یازدهم، پیاپی ۳۶). ۷۳-۹۴.
۱۶. محمدی، مهدی. (۱۴۰۰). شیعیان امامی در جنگ‌های آغازین صلیبی با تأکید بر شمال شام. تهران: دانشگاه بین‌المللی اهل بیت.
۱۷. مقدم، محمد عبدالله. (۲۰۱۷). «الجهود الحریه للنساء فی بلاد الشام والجزیره زمن الحملات الصلیبیه (۴۸۸ - ۱۰۹۵/هـ - ۱۲۹۱ م)». مجله المؤرخ العربی. شماره ۲۵.
18. Albert of Aachen. (2007). *Historia Hierosolymitanae*. Edited by Susan B. Edgington. New York: Oxford University Press.
19. Asbridge, Thomas. (2011). *The Crusades: The Authoritative History of the War for the Holy Land*. New York: Ecco.
20. Brundage, James A. (1985). "Prostitution, Miscegenation, and Sexual Purity During the First Crusade." Edited by P. Edbury. *Crusade and Settlement*. Cardiff: University of Oxford.
21. Cobb, Paul M. (2016). *The Race for Paradise: An Islamic History of the Crusades*. Oxford: Oxford University Press.
22. Duncalf, Frederic. (1969). "The Councils of Piacenza and Clermont." Edited by K. Setton. *A History of the Crusades*. Madison: University of Wisconsin Press.
23. Guibert de Nogent. (1905). "Gesta Dei per Francos." Translated by Oliver J. Thatcher and Edgar Holmes McNeal. *A Source Book for Medieval History*. 513-517. New York: Scribners.
24. Hamilton, Bernard. (1978). "The Elephant of Christ: Reynald of Châtillon." *Studies in Church History*. Vol. 15. 97-108.
25. Kostick, Conor. (2008). *The Social Structure of the First Crusade*. Leiden-Boston: Brill.
26. Mayer, Hans E. (1982). "Concordat of Nablus." *Journal of Ecclesiastical History*. Vol. 33. 531-543.

27. Mohamadi, Mahdi and Khakrand, Shokrollah. (2020). "The Impact of War, Famine, and Disease on Insecurity in Northern Sham From 488 to 521/1095 to 1127 - A Statistical Survey." *Res Hist Med*. Vol. 9 (Issue 1). 3-20.
28. Nicholson, Helen J. (2023). *Women and the Crusades*. Oxford: Oxford University Press.
29. Peters, Edward. (1971). *The First Crusade*. Edited by Edward Peters. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
30. Ricardus. (1997). *Chronicle of the Third Crusade: A Translation of the Itinerarium Peregrinorum Et Gesta Regis Ricardi*. Translated by Helen J. Nicholson. Ashgate: University of Michigan.
31. Tibble, Steve. (2020). *The Crusader Strategy: Defending the Holy Land*. New Haven: Yale University Press.
32. Tudebodus, Petrus. (1974). *Historia de Hierosolymitano Itinere*. Translated by John H. Hill and Laurita L. Hill. Philadelphia.